

## حفظ ترکیب برنده

«به ترکیب برنده دست نزن» این مهم‌ترین انگاره برای هر مجموعه موفق است که تنها کارکرد ورزشی ندارد و در همه حوزه‌ها معنا پیدا می‌کند. فرمول ساده اما به شدت کلیدی و مهم که هر تیمی برای ادامه مسیر موفقیتش به آن باید اقتدا کند. در فوتبال به عنوان یک ورزش تیمی که در آن اجزا، یک کلونی موفق را می‌سازند، اهمیت و اعتبار بیشتری پیدا می‌کند. برای یک تیم موفق و قهرمان هیچ چیزی مهم‌تر از حفظ اسکلت و استخوانبندی نیست. تیمی که نفراش در کنار هم یک اسکواد رویین‌تن را شکل داده‌اند و موفقیت را در آغوش کشیده‌اند، باید دست نخورده باقی بماند و تنها به ترمیم جزئی و موجز اکتفا کرد. بر هم زدن شالوده و ترکیب یک مجموعه به ویژه اگر موفق و قهرمان باشد، یک اشتباه بزرگ و نابخشودنی است که نتیجه‌ای جز تباهی و نابودی نخواهد داشت. چه آنکه فوتبال پدیده‌ای است که با تغییرات آنی و انقلابی میانه‌ای ندارد و ثبات و شکیبایی در آن اصل است که در نهایت به نتیجه می‌رسد. در پرسپولیس در چند فصل اخیر این انگاره کاملاً جا افتاده و دیگر از انقلاب خبری نیست. آنها در هر فصل کمترین تغییر را در مجموعه خود دارند و تقریباً با یک اسکواد ثابت در تمامی فصول اخیر به میدان می‌روند. جمع خروجی‌های سرخ در طول این چند فصل به تعداد انگشتان دو دست هم نرسید. روی همین اصل بود که پرسپولیس در تابستان ۹۸ باز هم همین فرمول را دنبال کرد و خروجی‌های این تیم در تابستان از عدد ۳ تجاوز نکرد. ماریو بودیمیر نخستین جدا شده پرسپولیس بود که بعد از ماجراهای برانکو، جدایی وی بدیهی به نظر می‌رسید و طبیعی بود که مهاجم هموطن آقای سرمربی دیگر در پرسپولیس باقی نماند.

در ادامه و پس از حضور گابریل کالدرون، سرمربی تیزبین آرژانتینی پس از اردوی ترکیه در پیش فصل، شایان مصلح و سروش رفیعی را کنار گذاشت. شایان مصلح در پرسپولیس تقریباً همیشه ذخیره بود و البته از ابتدا نیز چندان خرید موجه و بدردبخوری به نظر نمی‌رسید. چپ پای متوسطی که تداوم نیمکت‌نشینی هایش در سپاهان ثابت کرد که خروجش از پرسپولیس منطقی بوده. شاید جدایی سروش رفیعی هافبک محبوب سرخ‌ها تنها مناقشه بزرگ تابستان بود که هواداران در ابتدا با آن کنار نیامدند اما سروش با نمایش نومیدکننده‌اش در سپاهان نشان داد که تا چه اندازه حق یا کالدرون بوده و مدت‌هاست از فرم مطلوب و آماده گذشته فاصله گرفته و قطعاً اگر در پرسپولیس هم می‌ماند، مشتری ثابت نیمکت بود.

## یحیی گل محمدی

جدایی ناگهانی گابریل کالدرون برای پرسپولیس یک ضایعه و کابوس بزرگ محسوب می‌شد. مربی آرژانتینی بعد از یک نیم فصل هیجان‌انگیز و قهرمانی قاطعانه، تازه در پرسپولیس جا افتاده و با مجموعه بازیکنان و هواداران رابطه نزدیک برقرار کرده بود، اما بعد از بدقولی‌های مکرر باشگاه و برخوردهای نامهربانانه و به تعبیر خودش بی‌احترامی، پرسپولیس را برای تعطیلات نیم فصل ترک کرد و دیگر بازنگشت. یک چالش سخت و بزرگ دیگر برای قهرمان که می‌توانست همه آنچه در نیم فصل با مرارت و البته شکیبایی به دست آمده بود، بر باد دهد.

جذب مربی بزرگ که بتواند پرسپولیس پرستاره و قهرمان را تحویل گرفته و به سرعت در این تیم جا بیفتد محال به نظر می‌رسید اما سرخ‌ها سراغ یک گزینه آشنا رفتند؛ مردی که از مکتب پرسپولیس بود، در پرسپولیس مربیگری کرده و به خوبی با اتمسفر و شرایط این تیم آشنا بود، جزو مربیان موفق لیگ به شمار می‌رفت و البته از منظر فلسفه فوتبال و تفکر به پرسپولیس کالدرون نزدیک بود.

یحیی گل محمدی مربی موفق شهرخودرو بی‌تردید بهترین گزینه‌ای بود که سرخ‌ها در آن وانفسا می‌توانستند به خدمت بگیرند و سرانجام با کش و قوس فراوان و صرف یک هزینه گزاف که در اندازه‌های یک مربی خارجی برای آنها آب خورد، توانستند یحیی را روی نیمکت پرسپولیس بنشانند. مردی که در انتهای فصل و با قهرمانی پرسپولیس ثابت کرد چه انتخاب درستی بوده و ارزش این همه هزینه را داشته.

گل محمدی با آشنایی کامل به لیگ، پرسپولیس، بازیکنان و شرایط موجود هدایت سرخ‌ها را در دست گرفت و همان مسیری را رفت که برانکو و کالدرون در آن شلتاق کرده بودند. او آگاهانه دست به ترکیب تیم برنده نزد و با همان سیستم و نگره کالدرون، پرسپولیس را جلو برد و تنها به تغییرات جزئی اکتفا کرد تا ماشین برنده پرسپولیس کماکان با سرعت به حرکت خود ادامه دهد. قیاس وضعیت سرخ‌ها با رقیب دیرینه و شرایط دو مربی جوانی که از نیمه راه هدایت دو تیم را در دست گرفتند، درک بهتری از انتخاب موفق و البته کیفیت والای گل محمدی را ارائه می‌دهد.

## کنترل حاشیه‌ها

حاشیه جزو لاینفک فوتبال است و در فوتبال ایران همیشه بر متن می‌چربد. بلای خانمانسوزی که همیشه در کمین است و هر چه تیم بزرگ‌تر و پرستاره‌تر باشد، ریسک این ویروس زرد بالاتر می‌رود، حاشیه‌ها می‌توانند دمار از روزگار بهترین تیم‌های دنیا دریاورند، حتی اگر سرمربی‌شان گواردیولا باشد و مسی و رونالدو نیز در آن تیم بازی کنند. یکی از بزرگ‌ترین دلایل موفقیت قرمزها در لیگ نوزدهم، حضور بزرگ‌تر در بدنه تیم بود. آنچه سبب شد پرسپولیس به رغم یک فصل پرحادثه و پرتلاطم هرگز به ورطه حاشیه‌های کبود نخلتد و از گزند این بلای خانمانسوز مصون باشد.

اتفاقی که دلیل آن را باید حضور دو چهره بزرگ‌تر و کاربلد در کادر پرسپولیس دانست. نفرا تی که سبب شدند سرخ‌ها با وجود استعداد فراوان در این زمینه و بیستر آماده برای ورود به حاشیه، بدون توفان به مسیر موفق خود در دریای همواره متلاطم لیگ ادامه دهند. وجود یک اسطوره کاریزماتیک به نام کریم باقری در کادرفنی تیم که سابقه همکاری با هر سه مربی پرسپولیس در سال‌های اخیر را دارد، بی‌شک یکی از اصلی‌ترین کنترل رختکن سرخ‌هاست. کریم علاوه بر تسلط روی امور روحی و روانی، در موارد حاشیه‌ای نیز از قدرت بحران‌زدایی خاصی برخوردار است تا مشکلات همیشگی پرسپولیس به صفر برسد.

افشین پیروانی نیز پس از تجارب ناموفق در زمینه مربیگری به این باور رسیده که در کسوت مدیریتی می‌تواند گزینه منمثرم‌تری برای قرمزها باشد و با عملکرد مثبتش در سال‌های اخیر این مهم را نمایان کرده است. حضور دو اسطوره محبوب هواداران در کادرفنی باشگاه هم به محبوبیت این تیم افزوده و هم حاشیه‌ستیزی را بهبود بخشید تا سرخ‌ها در قبال ورود این ویروس مخرب واکسینه شوند و تقریباً هیچ حاشیه‌ای در طول فصل سرخ‌ها را درگیر نکند.

## ۴ قهرمانی پیاپی اتفاقی نیست

# ردپای پررنگ برانکو در یوکر پرسپولیس



علی مغانی

Ali Moghani

لیگ فوتبال ایران با هیچ کجا قابل مقایسه نیست. یک پدیده منحصر به فرد است که در باشگاه‌های آن خبری از «ساختار» و «سیاست‌گذاری» نیست. هیچ استراتژی مدونی وجود ندارد و غالب تیم‌ها، اساساً نمی‌دانند «از کجا آمده‌اند و آمدن‌شان بهر چیست»

همه می‌خواهند موفق شوند اما کسی در باشگاه‌ها پیدا نمی‌شود که به‌طور مشخص بداند راه رسیدن به موفقیت از کدام ایستگاه‌ها می‌گذرد؟ در فوتبال‌های توسعه یافته، این ریل‌گذاری و این برنامه‌ریزی، وظیفه تیم مدیریتی یک باشگاه است. مدیران می‌دانند که از تیم‌شان چه می‌خواهند و چطور باید نقشه‌ای که روی کاغذ آمده را عملیاتی کنند. امادر فوتبال توسعه نیافته ایران، مدیرانی که به سرعت برق و باد جابه‌جا می‌شوند، معمولاً فرصتی برای برنامه‌ریزی ندارند و حتی اگر مدتی طولانی در پست خود باقی بمانند، علاقه‌ای به انجام کارهای سخت ندارند! آنها اغلب ترجیح می‌دهند کوتاه‌ترین مسیر را برای کسب محبوبیت انتخاب کنند و نقابی به صورت بزنند که خوشایند هوادار باشد.

هوادارانی که فوتبال را به صورت جدی دنبال می‌کنند و تیمی غیر از پرسپولیس را برای هواداری انتخاب کرده‌اند، توجیه‌های مختلفی برای دلیل قهرمانی‌های پرسپولیس دارند. بعضی از آنها معتقدند قرمزهای تهران با حمایت دولتی و لطف داوران و خوش اقبال‌ی به این موفقیت رسیده است اما واقعیت این است که ۴ قهرمانی پیاپی، اتفاقی نیست. پرسپولیس چیزی دارد که بقیه ندارند؛ «ثبات درونی»

پرسپولیس لیگ نوزدهم را در شرایطی آغاز کرد که مربی محبوبش بعد از ۴ سال، تیم را ترک کرده بود. در میانه فصل، دیگر مربی خارجی موفقش از ایران رفت و در طول فصل، سه مدیرعامل روی صندلی مدیریت باشگاه نشستند. اما هیچ کدام از این تغییر و تحولات باعث نشد که این تیم از مدار موفقیت خارج شود. در این قهرمانی، گابریل کالدرون، یحیی گل محمدی و بقیه، هر کدام سهمی دارند اما بخش عمده‌ای از این موفقیت را «میراث برانکو» رقم زد.

در دنیای مربیگری، برانکو هیچ وقت مربی افسانه‌ای نبوده. اما او در فوتبال ایران، برای پرسپولیس فراتر از یک مربی بود و همان کاری را انجام داد که قاعداً تا وظیفه بخش مدیریتی باشگاه است. او برای تیم، «استراتژی» تعیین کرد. آرامش را در تیم جاری کرد و به پرسپولیس آموخت که چطور باید مجموعه‌ای از بازیکنان را در قالب یک «تیم» دور هم جمع کرد. چگونه آنها را «مدیریت» کرد، نخاله‌ها را به تدریج از مجموعه خارج کرد، ناراضی‌ها را کنترل کرد و از همه مهم‌تر، به جای «کوبیدن و دوباره ساختن» تیم در فصل نقل و انتقالات، فقط نقاط ضعف را «ترمیم» کرد. او در واقع برای باشگاه یک «نقشه راه» ترسیم کرد و برای ادامه موفقیت، کافی بود که بر اساس همان نقشه عمل کنی. یعنی همان کاری که کالدرون در نیم فصل اول و گل محمدی در نیم فصل دوم انجام دادند.

استقلال، سپاهان و تراکتور، رقبای پرسپولیس در ۴ فصل گذشته بوده‌اند. یک نگاه آماری به حجم تغییرات آنها داشته باشید و خرید و فروش‌های «فله‌ای» آنها را با پرسپولیس مقایسه کنید. پرسپولیس در دوره برانکو، از دو پنجره نقل و انتقالاتی محروم شد اما قبل و بعد از آن، کمترین تغییر متعلق به این تیم است. درست در همان دورانی که مدیران می‌آمدند و می‌رفتند، پرسپولیس بهترین نفراش را حفظ کرد، در خریده‌ها هوشمندانه عمل کرد و در آغاز لیگ نوزدهم، تیمی را روانه لیگ کرد که اسکلت اصلی آن، ده‌ها بار کنار هم بازی کرده بودند.

محبوبیت پرسپولیس و تمرکزی که رسانه‌ها روی این تیم دارند، طبعاً عامل مهمی است که یک بازیکن بین دو گزینه «ذخیره بودن در پرسپولیس» یا «بازیکن اصلی بودن در یک تیم کم‌طرفدار»، گزینه اول را انتخاب کند اما این هم یکی از دستاوردهای برانکو بود که نفرا ت ذخیره، در پرسپولیس سرکشی نمی‌کردند و می‌دانستند مربی اهل باند بازی و غرض‌ورزی نیست. اگر خوب باشند، به ترکیب اصلی می‌رسند و هیچ مانعی بر سر راه‌شان نیست. پرسپولیس با درایت برانکو، حتی یک سال بعد از رفتن او، یک مجموعه پائبات است. تفاوت قهرمان ۴ دوره لیگ با بقیه مدعیان، تفاوت مربی بود که همزمان، مدیر تیم هم بود.